

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۳۰ مارچ ۲۰۱۲

قرآن و فتوی

مسلمانان لیبرال منش فکر می کنند که می توانند با یک نوع تعبیر و با خلاقیت و نوآوری از قرآن یک چیزی ترسیم نمایند که جوابگوی نیاز های بشری در قرن بیست و یک باشد و غافل از این اند که با داشتن اساس باور مندی قرون وسطائی و اتکا به آن نمی شود چیزی انسانی و جدیدی را به مردم ارائه داد و خیلی مشکل خواهد بود تا یک متن پوسیده و خالی از محتوا را معنی بخشیده و منحیث رهنمای بشریت پیشکش نمود.

اسلام دینی است که هر مسأله حیاتی فردی را من جمله شیوه ادراک و مدفوع کردن، راه و روش غذا خوردن، لباس پوشیدن، ازدواج کردن، کار کردن و دعا و نیایش و حتی شیوه و طرز اندیشه انسانی را به انسان تحمیل می نماید و راه مطروحه اسلامی حتمی، جبری و بدون اختیار منحیث آزادی های اسلامی بر شخص تحمیل شده و انعطاف پذیری شخص از این مقررات را که شکل آسمانی بر آن داده اند، ناممکن میسازد. چنین افرادی جامعه را می سازند و منحیث یک ملت مسلمان در عرصه هستی تبارز می نمایند. و چند نفر ریش دار و یا بی ریش از شیوخ عرب و یا هم دنباله روان شان با گفتن چند کلمه عربی بر مسند قدرت و رهنمائی تکیه زده و مشغول نوشیدن خون مردم نا آگاه نگهداشته شده می باشند. اسلام دینی است که با قایل شدن تفاوت های ضروری بین اسلام و کفر مدرنیسم را نفی می کند با آزادی های انسانی در تضاد است و اندیشه های انتقادی را محو و نابود می نماید و ابوالعلا المودودی هندی اولین اندیشمند مسلمان بود که در آثار خود مثل «اسلام و جاهلیت» و «اصول دولت اسلامی» که از آلودگی مدرنیته و ناسازگاری آن با اسلام و خطرات ناشی از آزادی افکار انسانی به دور از چوکات اسلامی سخن گفت و سید قطب اندیشمند اسلامی مصری در همسوئی با افکار مودودی گفت که «استیلا باید تنها به الله باز گردد به این معنی که اسلام یک نظام کلی بوده و باید در جهت جهاد علیه مدرنیته عمل نماید و هدف بر قرار کردن حکومت خدا بر زمین است» نه تنها مفکران اسلامی بلکه همه آنان که به نحوی از انحاء در رشته های پوسیده افکار قرون وسطائی اسلامی در بند مانده اند با دگر اندیشی و روشنگری در مخالفت اند و از زمان پیدایش اسلام تا اکنون دنباله روان کوشیده اند تا دین اسلام را جامع و کامل تبلیغ نموده و حل کننده تمام مشکلات بشری معرفی دارند و قانونمندی های غیر مدنی و غیر واقعی اسلامی را بالاترین و بهترین نظم و قانون (تحلیل خرافی) دانسته و به

خورد مردم بدهند. آن‌ها همیشه سعی بر این داشته‌اند که ابتداء از تباط دادن موضوعاتی مهم را به آیات و هدیای قرآنی انجام دهند و بعداً هم در آن چوکات راه حل و بیرون رفت از آن بن بست را تهیه دیده و به مردم دهند اگر هم نشد با گفتن چند جمله به نام حدیث و یا هم بعداً نظر و فتوای علمای فقه را به رخ مردم بکشند تا مردم نا آگاه ما به یکی از آنها اتکاء و بفهمند که اسلام واقعاً حل کننده تمام مشکلات بشری است؟؟

نوشته جالب اخیر متکی به فتوای دو عالم عربی به ارتباط خریدن خانه و منزل در دارالحرب اوامر و ونواهی قرآنی را باز هم زیر سؤال می برد؟؟ و چنان نشان داده می‌شود که اگر در قرآن یک مسأله حرام شمرده شد و هیچ شرط و قیدی در حلال بودن آن هم گذاشته نشده است اما نظر به گردش و سیر علمی یک دانشمند اسلامی و احساس مشکلات مسلمانان می توان از اوامر آن آیات سر پیچی نمود و مطابق شرایط زمانی و مکانی و مشکلات عاید فتوای دانشمندان اسلامی که صریحاً خلاف قرآن است می تواند عملی شود یعنی فتوی بالاتر از امر و نهی قرآن؟؟

چیزی جالبی بود . خیلی هم جالب؟؟ نوشته ای را که فکر می کنم تعداد زیاد هموطنان گرانمایه ام که بر مبنای خریدن خانه در دارالحرب از طرف مسلمین نوشته شده بود و فتوای دو قاضی و یا مفتی؟؟؟ اسلامی به شرح گرفته بود خوانده اند؟؟

اول مختصراً می رویم به سراغ این که ربا چیست و چی معنی دارد؟ ربا به معنی : بخش زیاد شده. فزونی یافته زیادی ... افزودی ... است و در زبان فارسی معادل «بهره» است . ربا در هر حال ربا است و قرآن گرفتن و خوردن آنرا حرام کرده است . شرایط استثنائی نیز برای مجاز نمودن آن در قرآن مطرح نشده است . بهره ای که بانک می گیرد مسلماً ربا است و حرام است و بهره ای را که می دهد نیز ربا و حرام است . اسلامی بودن نام بانک یا مذهبی بودن متولی بانک و یا تعلق داشتن بانک به دولتی که نام اسلامی دارد هیچ کدام از اینها مجوزی برای گرفتن ربا نیستند . ربا در هر حال ربا است و خداوند آنرا تحریم نموده است . در ادیان ابراهیمی با مراجعه به تورات، انجیل و قرآن میتوان تحریم ربا را به وضاحت دید و آیات و احکامی در باره آن خواند

در قرآن آیات متعددی در باره ربا و حرام بودن آن صادر شده تا مسلمانان از ربا دوری جویند مثل سوره نساء آیت ۱۶۱ سوره روم آیت ۳۹ سوره بقره آیتهای ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره آل عمران آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ و آیات متعددی از قرآن دلالت بر حرمت ربا دارد و قرآن به شدت هر نوع ربا خواری را تحریم می کند تا آنجا که آن را نوعی کفر به خدا می شمارد و به ربا خواری از ناحیه خدا و رسولش اعلان جنگ می دهد

تحریم ربا از نظر علمای به اصطلاح اسلامی مسلم است که نه تنها آن را حرام شمرده اند بلکه منکر آن را مرتد دانسته اند.

البته ربا انواع و اقسام مختلف دارد که علمای فقه اسلامی نظر به منافع خود از آن تشریحات مختلف و گپیچ کننده ای ارایه داشته و بعضی از آنها را جایز شمرده اند . غرض جلوگیری از طوالت کلام از تشریحات پیرامون انواع ربا خود داری نموده و فقط یاد آور می‌شوم که تمام انواع ربا در قرآن حرام گفته شده است و تآن جایی که من می دانم هیچ عالم دینی، هیچ حجت الاسلام، هیچ آیت الله و هیچ عرب و عجمی که خود را مسلمان می داند حق ندارد خلاف آیات متن قرآن فتوی صادر نماید اگر می نماید این عمل نشاندهنده سر کشی آن‌ها از احکام قرآنی بوده و باید آنها محاکمه اسلامی شوند نه این که به فتوای آن‌ها منحیث راه نجات از مشکلات دارالحربی مسلمانان ساکن در آنجا استفاده به عمل آید.

نظر به نوشته هموطن گرامی ام یکی از دو نفر پیشگامان اسلامی دکتور یوسف القرضاوی می باشد که بدون شرم

چنین فتوی داده است (بیست سال کامل فتوی دادم که خریدن خانه به قرضه بانکی به اساس سود حرام است . لیکن بعد از سفر های متعدد که به امریکا به عمل آورده‌ام و اوضاع و احوال مسلمانان را در این کشور ها ملاحظه نمودم در فتوای خویش تغییر آوردم و به اساس مذهب حنفی جواز می دهم که مسلمان برای این که صاحب یک منزل شخصی شود به قرضه به اساس سود یک خانه برای خود بخرد) حال سؤالاتی که بعد از خواندن این نوشته به ذهنم خطور نموده است چنین می باشند ؟

اگر از رفتن چند باره جناب مفتی صاحب به امریکا که روی چه دلیلی بوده است بگذریم میتوان پرسش به عمل آورد که جناب مفتی صاحب قبلاً هم از هدایت قرآن راجع به ربا می‌فهمیدند یا خیر؟؟ اگر فتوای بیست ساله شان بر مبنا و اساس هدایات آیات قرآن بود و به ضد ربا فتوی می دادند پس چطور شد که جناب شان چیز و یا هم چیز های را در امریکا مشاهده نمودند که بالاتر از اوامر قرآن قرار گرفت؟؟ و یا این که آیات قرآن تغییر یافته و مطابق اقتضای شرایط قرآن ربا را در دیار کفر جایز شمرده است؟؟ همچنان آیا جناب مولوی صاحب از مذهب حنفی قبلاً خبر داشتند یانی؟؟ یعنی می دانستند که در فقه حنفی سود دادن غرض خرید خانه جایز است یا نی؟؟ اگر می دانستند پس چرا در این بیست سال خلاف یک مذهب اصلی اسلام فتوی صادر نموده اند؟؟؟؟؟؟ اگر نمی دانستند چرا با این همه بی‌خردی و ناهمپی خود را در مقام فتوی دهنده اسلامی جهانی معرفی و فتوی های طالبی صادر نموده اند؟؟ باید جناب شان به محکمه اسلامی – اسلام گرایان کشانیده شود نه این که چند فرد دیگر با افتخار از فتوای شان پشتیبانی نمایند؟؟ تا آنجا که من میدانم سر نوشت ملل مسلمان شده و نا آگاه به دست همچو شیادان می باشد و اگر کسی در این باره که فتوای علمای اسلامی ولو اینکه خلاف هدایات قرآنی باشد می تواند مرجع تقلید و پیروی سایر مسلمانان قرار گیرد چیزی می دانند لطف نموده اول باید در این مورد روشنی انداخته و این ادعا را ثابت نمایند تا بعداً دنبال فتوی رفته و بر متن آن مکث نموده و جرو بحث صورت گیرد؟؟ گر چه در اسلام مطابق قوانین این دین امکانات اتفاق افتادن همه چیز بدون دلیل موجود است و همه چیز را می توان نظر به منافع خود تعبیر نمود و تغییر داد اما باید ریش داشت و عربی زیاد ترفهید تا به کام دل رسید . برای مسلمان (البته مسلمانی که موقف خود را می داند) در جهان اسلام و قوانین اسلامی همه چیزی که خواسته باشد جایز و امکان پذیر است فقط نام اسلامی باید رویش گذاشت؟؟ مثلاً با وجودی که در اسلام و قرآن گفتن دروغ منع شده است اما گاه گاهی که به نفع اسلام و مسلمان باشد دروغ گفتن مجاز است؟ این کار را محمد انجام داده است؟؟ امیدوارم اهل قلم مخصوصاً آنانی که در همچو موضوعات علاقه مندی دارند زحمت کشیده سکوت را شکسته و آنچه می دانند بنویسند